طنز اصیل، انتقاد از وضعیت موجود و نگاهی به وضعیت مطلوب و آرمانی

پدید آورنده : فاطمه عسگری ، صفحه 44

اشاره

«طنز» یکی از مهم ترین و کاراترین قالبهای «بیان» هنری است. و به علت شیرینی و جاذبه خاص خود با اکثر روانها سازگار و بیش ترین مخاطب را به خود اختصاص می دهد. طنز به علت خنده و انبساط روحی که در مخاطب پدید می آورد، به راحتی، احساسات و عواطفش را در اختیار گرفته، پیام خود را از راه غیر مستقیم بر عمق دل و جان و باور وی می نشاند. با توجه به این مهم، شناسایی دقیق و صحیح چگونگی به کارگیری این قالب برای کلیه طنزپردازان امری ضروری است. در این مقال بر این هستیم که به بررسی تئوری طنز از جمله تعریف، موضوع، اهداف، انواع و آثار طنز بپردازیم تا خوانندگان عزیز را هر چه بیش تر با این مقوله حساس و تأثیرگذار آشنا کنیم.

مفهوم طنز

طنز در لغت: طنز در لغت نامه های عربی به معنای سخریه و مسخره کردن و در لغت نامه های فارسی به معنای ناز، سخریه، سخن به رموز گفتن، طعنه و فسوس کردن، افسوس داشتن، عیب گرفتن، بر کسی خندیدن... و نیز طنز کرد به معنای طعنه زد، عیب جویی یا تمسخر کرد، آمده است.

شیرین دهان آن بت عیار بنگرید

درّ، در میان لعل شکر بار بنگرید

دی گفت سعدیا من از آنِ توأم به «طنز»

آن عشوه دروغ دگر بار بنگرید

«سعدی»

طنز اصیل

طنز، امروزه دامنه وسیع و گسترده یافته است. در یک تعریف کلی «طنز اصیل» عبارت است از: «هر بیان - اعم از گفتار، رفتار، نوشتار و تصویر - به ظاهر غیر جدّی و بر مبنای لطیفه و مزاح که نمایانگر واقعیّتی جدّی و رساننده پیامی اصیل باشد.» به عقیده یک نویسنده روسی، «طنز بالاترین درجه نقد و انتقاد ادبی است؛ البته نقد و انتقادی زیرکانه، غیر صریح و دل نشین و نیز انتقادی که چنان جذاب بیان می شود که نه تنها همگان را متوجه و متنبّه می سازد بلکه خطاکاران و مخاطبان اصلی خود را نیز به خود می آورد و به تفکر و تأمل وا می دارد؛ انتقادی با حفظ حریم ادب و کمال متانت که حتی در آنان که مورد انتقاد قرار گرفته اند به جای ناراحتی و کینه و رد وانکار شدید، بیداری و توجه و زمینه پذیرش و تسلیم به وجود می آورد.»

موضوع طنز

طنز ممکن است هر یک از مقوله های اخلاقی، فرهنگی، سیاسی، نظامی، اجتماعی و غیره را شامل شود. موضوع طنز می تواند فرد یا گروه، فرقه یا ملّت و جامعه باشد. در طنز انسان و زندگی او از لحاظ فردی یا اجتماعی مورد بحث قرار می گیرد. طنز گاه به نفس آدمی و بدیها و پلیدیهای آن می پردازد و با بزرگ نمایی آنها همگان را به خطر دشمنی که همراه خود دارند، هشدار می دهد، و گاه به فرقه و گروهی خاص و اعتقادات آنها می تازد و حقیقت زشت عملشان را آشکار می کند، و گاه به معایب و مفاسد اجتماعی که نفس آدمی و خودخواهیهای آن خالق آن بوده روی می آورد و پرده از حقایق تلخ آن بر می گیرد و افراد جامعه را از بی خبری و غفلت به آگاهی و چاره اندیشی فرا می خواند.

هدف طنز

هدف طنز، تنبه و توجه دادن فرد یا جامعه به معایب و مفاسد خود، تحقیر و کوبیدن رذایل اخلاقی، رشد فضایل اخلاقی و در یک کلام، تزکیه، تهذیب، اصلاح و به تکامل رساندن فرد و اجتماع است. قلم طنز نویس کارد جراحی است نه چاقوی آدم کشی؛ با همه تیزی و برندگیش، جانکاه و کشنده نیست، بلکه آرام بخش و سلامت آور است. زخم نهانی را می شکافد و چرک و عفونتهای آن را بیرون می ریزد و بیمار را بهبود می بخشد.

انواع طنز

طنز از نظر نحوه بیان و ارائه، به دو نوع «تفسیری» و «تمثیلی» تقسیم می شود.

1. طنز تفسیری: در طنز تفسیری وقایع و حقایق به طور مستقیم و صریح با نگرشی خنده آور بیان و تفسیر می شوند. در این نوع طنز نگرش و بیان طنز پرداز است که حقایقی را که نه تنها خنده آور نیست بلکه در واقع تلخ و ناراحت کننده نیز هست، به صورت خنده آور نمایش می دهد تا مخاطب را با کمک خنده به عمق حقیقت و واقعیت توجه دهد.

در طنز تفسیری، از کنایه، تمثیل، قیاس و مبالغه خبری نیست، بلکه تنها نفس واقعیت به تصویر کشیده می شود. استاد علی اکبر دهخدا با نگرش، اندیشه و بیان هنرمندانه اش طنزهایی عمیق از نوع طنزهای تفسیری آفریده که به نمونه ای از آن اشاره می کنیم.

«خدا رفتگان همه را بیامرزاد! مثل همه حاجیهای جاهای دیگر، نان نخور بود؛ یعنی مال خودش از گلویش پایین نمی رفت. اما خدا بیامرز ننم جور آقام نبود. او می گفت: «مال مرد به زن، وفا نمی کند. شلوار مرد که دو تا شد فکر زنِ نو می افتد». از این جهت هنوز آقام، پاش سر کوچه نرسیده بود که ننم می رفت پشت بام، زنهای همسایه را صدا می کرد. آن وقت یک دفعه می دیدیم اتاق پر شده از خواهر خوانده های نَنَم. آن وقت فورا ننم سماور را آتش می زد، آب غلیان را هم می ریخت؛ می نشست و با آنها درد دل کردن؛ مقصود از این کار دو چیز بود: یکی خوشگذرانی و دیگری آب بستن به مال خدا بیامرز که شلوارش دو تا نشود.»

2. طنز تمثیلی: در طنز تمثیلی طنزپرداز برای بیان مقصود و تأثیر بیش تر در مخاطب، از بازیهای لفظی و صناعات ادبی چون تمثیل، تشبیه، قیاس، جناس، تضاد... استفاده می کند و با این عمل ضمن این که باعث انبساط روح مخاطب می شود او را به واقعیت و حقیقتی عمیق آگاه می کند. طنزپرداز با بهره گیری از عبارات ظریف و دل نشین، از خنده تازیانه ای ساخته و آن را بر روح غفلت زده مخاطب فرود آورده و او را به سوی هوشیاری و تلاش برای وصول به وضع آرمانی فرا می خواند. علی اکبر دهخدا این واقعیت تلخ را که از پس هر واقعه ای، این مردم ضعیف هستند که مجرم شناخته می شوند و عاملان اصلی جان سالم به در می برند، این گونه با تمثیلی زیبا و مناسب، می نمایاند:

سرداری مریض شد، حکیم باشی دستور داد که او را تنقیه کنند. سردار برآشفت که مرا؟ حکیم باشی گفت: خیر قربان، بنده را. حکیم باشی را خفته کردند و کاری که باید با سردار انجام می شد با او انجام شد. از آن پس هر وقت، سردار مریض می شد، حکیم باشی را درازمی کردند و با او همان معاملت می رفت.(چرند و پرند)

در این گونه طنزها واقعه ای که مثال زده می شود، خنده آور است اما آنچه بلافاصله در پسِ ظاهر خنده آور آن رخ می نمایاند گریه آور است.

آثار مثبت طنز

طنز مثبت یعنی طنزی که با آموزهای دینی هماهنگ و هم سو باشد، دارای آثار شگرف و نیک خواهد بود و فرد و جامعه را به سوی کمال و سعادت و وحدت هدایت خواهد کرد. این طنز دارای آثار فردی چون توجه دادن به عیبها و تربیت صحیح و سریع و آثار اجتماعی چون پر شدن اوقات فراغت و کم شدن بزهکاری و ایجاد وحدت و همدلی اجتماعی است.

الف - آثار فردی:

1- توجه دادن به عیبها: طنز نوعی انتقاد نوش و نیش دار است و در عین حال که وضعیت خاص اجتماعی، روش خاص زندگی، معاشرت، تربیت، مدیریت... را نقد می کند، تک تک افراد را به درون خود متوجه می کند تا عیبهایی را که در طنز، بزرگ نمایش داده می شود، در خود بررسی کنند و مروری بر رفتار، افکار و عملکرد خود داشته باشند. اگر طنز مثبت به چنین توصیفی دست یابد، خدمت بسیار بزرگی به جامعه اسلامی کرده است.

در دین اسلام نیز بر تفکر درباره خود و عیبهای خود، بسیار تأکید شده است. خداوند در سوره روم می فرماید: (أوَلَمْ یتفکّروا فی أنفُسِهم)؛ آیا در نفسهای خود تفکر نمی کنید» (سوره روم: 8)، همچنین در جای دیگر می فرماید: (وَ فِی انفُسِکم أفَلا تُبصرون)؛ و در خودتان چرا نمی نگرید.» (ذاریات: 21).

حدیث معروف پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) نیز اشاره به همین مطلب است که فرمود: «مَنْ عَرَفَ نَفْسَهْ فَقَدْ عَرَفَ رَبَّه؛ هر کس خود را بشناسد به راستی پروردگار خود را شناخته است».

بنابراین، معرفت نفس و کاستیهای آن از سودمندترین علوم است و هر وسیله مطلوبی در راه رسیدن به این شناخت قابل قبول و نیک است؛ حتی اگر این وسیله، طنز باشد.

2- تربیت صحیح و سریع: دومین اثر مثبت طنز خوب، تربیت صحیح و اصولی افراد بر اساس آگاهی و خودباوری در کم ترین زمان ممکن است. تربیت صحیح مهم ترین و دشوارترین کار برای انسان است. تربیت به گونه خاص، ویژه خداوند است؛ همان گونه که در قرآن کریم، صفت «ربّ» درباره خداوند بسیار به کار رفته است و همو پیامبران را برای تربیت انسانها فرستاده است. با این بیان، تربیت امری خطیر و ارزشمند است که هر کس شایسته آن نیست. پس اگر طنز مثبت بتواند آثار تربیتی صحیح را در وقتی مناسب و با بیانی جذّاب و شیرین به مخاطب خود منتقل کند، کار بزرگی انجام داده و سرمایه گذاری درباره چنین طنزهایی ضروری است.

ب - آثار اجتماعی:

1- پر شدن اوقات فراغت و کم شدن بزهکاری: طنز مطلوب عاملی در جهت جلوگیری از پدیده بزهکاری و پر کردن اوقات فراغت است. همچنان که ورزش، مطالعه، تفریح، گردش و فعالیت هنری می توانند ساعات بی کاری انسان را پر کنند، طنز نیز می تواند اوقات خوب و مفرّحی برای انسان به وجود آورده و عامل ایجاد و تقویت روحیه و نشاط در جامعه شود. با توجه به این مهم لزوم برنامه ریزی جدی و توجه همه جانبه در این زمینه به خوبی آشکار می شود.

2- ایجاد وحدت و همدلی اجتماعی: مهم ترین اثر اجتماعی که هر طنز مطلوبی می تواند داشته باشد، افزایش وحدت و کنار گذاشتن اختلافات بی مورد و حساس نشدن به هر موضوع کوچک و بزرگ است. وحدت در نظام اسلامی دارای جایگاهی بزرگ و رسیدن به وحدت ملی و جهانی و دینی هدف اسلام عزیز است. اگر طنز بتواند عاملی در راه ایجاد وحدت و هم بستگی باشد، افتخاری بس بزرگ است و این به دست نمی آید مگر این که شعارها، حرکات، لحنها و صحنه ها... همگی در راستای زدودن کدورتها و زنگارهای اختلاف و همدل و همراه نشان دادن جامعه باشد. و چنین طنزی وقتی ساخته و پرداخته می شود که طنز پردازان، دارای اندیشه های متعالی و خواهان و خالق طنز وحدت بخش باشند.

ویژگیهای طنزپرداز حقیقی

الف - تعهد و تخصّص در طنز نویسی: اصل و خمیره طنز به دست نویسنده آن به وجود می آید. از این رو وجود عنصر تعهد در طنزنویس اصلی بسیار مهم و اجتناب ناپذیر است. تعهد به این معنی که طنزنویس هرگاه بخواهد در رابطه با مباحثی چون سیاست، جامعه، فلسفه، هنر، انسان... اظهارنظر کند و یک طنز مطلوب ارائه دهد باید درباره این علوم آگاهی کافی داشته باشد و با بینشی عمیق در این راه قدم بردارد. در غیر این صورت هر قدر هم از تخیل هنری و تکنیکهای تخصصی بهره مند باشد، نه تنها اظهارنظر و ارائه اثر در این باره برای خودش رهگشا نیست بلکه خیانتی به جامعه و دین و علم و اخلاق به شمار می آید و این یعنی دوری از تعهد و البته تخصّص.

ب - حق محوری در نگرش: طنزنویس باید حق را محور مطالب و مباحث خود قرار دهد و بی طرفانه و منصفانه قضاوت کند. سلیقه های شخصی خود را وارد محتوا نکند و ازافکار و عقاید گروهی و حزبی دفاع نکند مگر به حق. چنانچه از نظر اسلام نیز طرفداری از عقاید سالم وحق، باید از مقدّمات کار هنری باشد. او باید تسویه حسابهای شخصی با گذشته خود و دیگران و عقده های درونی اش را در متن طنز وارد نکند.

ج - سلامت درونی و اخلاقی: از جمله شاخصه هایی که باعث تأثیر بیش تر طنز در مخاطب می شود سلامت درونی و اخلاقی طنزنویس است. او باید مراقب باشد که معایب و ایراداتی را که از دیگران مطرح و بزرگ کرده و مورد تمسخر قرار می دهد، در خود او موجود نباشد.

«طنزنویس در موقعیت دشواری قرار دارد؛ چون اگر مردم همان عیوبی را که او در دیگران نکوهش می کند در خودش بیابند، آن وقت ممکن است او در معرض اتهام خود بزرگ بینی قرار گیرد. اگر هم از این اتهامات بگریزد، چه بسا به او تهمت زنند که با قربانیانش عداوت شخصی دارد.»

بیانهای هنری قرآن درباره اخلاقیات و آداب در قالب طنز.

اگر با نگاهی دقیق و زیبا شناختی به طنز بنگریم، می توانیم بگوییم که طنز نوعی استعاره است و در قرآن انواع تمثیلات و تشبیهات و استعاره ها بسیار دیده می شود؛ مانند این آیه از قرآن کریم: (واغْضُض مِن صَوتک إنّ انکَر الأصواتِ لَصَوْتُ الحمیر)؛ و در سخن، آرام سخن گو [نه با فریاد بلند] که زشت ترین صداها بانگ خران است. (لقمان: 19).

این آیه، از دو بخش تشکیل یافته که از لحاظ بیانی و ساختار ادبی متمایز از یکدیگرند. بخش اول آیه، یک پیام روشن می دهد.

آرام سخن بگو، ولی بخش دوم به طور غیر مستقیم و با بهره گیری از استعاره، صدای انسانی که در سخن گفتن فریاد می زند را به صدای حیوانی که ناهنجارترین صورت را از لحاظ نوع آواز و تن صدا دارد، (الاغ) تشبیه کرده، را ناپسند می شمارد. چه بسا اگر چنین پیامی به طور جدّی و مستقیم مطرح می شد، بسیاری به آن توجّه نمی کردند، ولی همین که پای مقایسه خود با یک حیوان (الاغ) به میان می آید، هر انسانی دوست دارد که از این مسئله دوری کند.

نمونه دیگر: (وَ لا تَمْشِ فِی الأرْضِ مَرَحا إنَّکَ لَنْ تَخْرِقَ الأرْضَ وَ لَنْ تَبْلُغَ الجِبالَ طُولاً) (اسراء: 37)»

و در زمین با تکبر راه مرو؛ چرا که نه می توانی زمین را بکنی (با راه رفتن) و نه به اندازه کوهها بلند خواهی شد. [پس اندازه خود را بشناس و متواضع باش.]

از آیات فوق چند نکته به دست می آید:

اول - در مسائل تربیتی و اخلاقی می توان با زبان استعاره و تشبیه و تمثیل مطلب را به گوش طرف مقابل رساند.

دوم - اگر فقط کردار زشت و بی ادبی نقد شود و شخص معیّن نشود، تأثیر گذاری آن بیش تر بوده و مشکل شرعی و عرفی پیش نخواهد آمد.

گفتار و رفتار طنزگونه پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله)

در کتب معتبر حدیث، حکایتهایی از رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) آمده است که از وجود مزاح و شوخی و گاه طنز در گفتار و رفتار آن حضرت خبر می دهد. با نقل برخی از این حکایتها، به نوع و مقدار مزاح و طنز در زندگی آن حضرت پی می بریم.

1- پیرزنی خدمت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) رسید. حضرت به او فرمود: پیرزن ها وارد بهشت نمی شوند. زن، چون این سخن را شنید، شروع به گریستن کرد. حضرت فرمود: در روز قیامت، تو پیرزن نخواهی بود. آیا سخن خداوند را نشنیده ای که فرمود: ما آنها را آفرینشی نوین بخشیدیم و باکره قرار دادیم.

در این ماجرا، حضرت با نوعی ظرافت بیانی، موضوعی اعتقادی را به پیرزن می آموزد و در این راه از هر دو عنصر اندوه و شادی بهره می گیرد.

2- حضرت علی (علیه السلام) فرمود: «اعرابی ای خدمت پیامبر اکرم رسید و هدیه ای به او داد، آن گاه موقع رفتن به پیامبر عرض کرد: پول هدیه ما را بده! و پیامبر خندید. هرگاه پیامبر غمگین می شد، می فرمود: اعرابی در چه حال است؟ ای کاش پیش ما بیاید.

از این حدیث در می یابیم، از جمله مسائلی که غمها با آن برطرف می شود، ملاقات با افرادِ با نمک و شوخ طبع است، ولی در عین حال، زیبایی رفتار پیامبر با مردم و روشهای تربیتی ایشان را باید در نظر داشت؛ یعنی حضرت به قدری کریمانه و با محبّت بودند که مردم به راحتی می توانستند به ایشان هدیه دهند و سپس پول هدیه را بخواهند.

3- زنی به نام امّ ایمن خدمت رسول خدا آمد و عرض کرد: همسر من شما را طلب می کند. حضرت فرمود: همسر تو کیست؟ آیا همان کسی است که در چشمانش سفیدی است؟ زن گفت: به خدا قسم در چشمان او سفیدی نیست! حضرت فرمود: بله، در چشمان او سفیدی است. دوباره زن گفت: نه به خدا قسم! سپس پیامبر فرمود: هیچ کسی در دنیا نیست، مگر این که در چشمانش سفیدی است که دور حدقه چشم را گرفته است.

در این حدیث نیز، نوعی شوخی طبعی همراه با وقار در رفتار حضرت دیده می شود.

پی نوشتها:

1. ابن منظور، لسان العرب، ذیل واژه طنز: طنز یطنز طنزا... و الطّنز السّخریه.

2. احمد سیاح، فرهنگ بزرگ جامع نوین (ترجمه المنجد)، انتشارات اسلام، ج 2، ذیل واژه طنز.

3. محمد غیاث الدّین رامپوری، غیاث اللّغات، ذیل واژه طنز.

4. علّامه علی اکبر دهخدا، لغت نامه، ذیل واژه طنز.

5. دهخدا، چرند و پرند، انتشارات عطار، ص 56.

6. داروی مخصوصی که وارد روده بزرگ کنند و بدان روده را از پلیدی پاک سازند، دهخدا، ذیل واژه تنقیه.

7. میزان الحکمه، ج 6، ص 142، ح 11923.

8. آرتورپلارد، طنز، ص 4.

9. میزان الحکمه، ج 11، ص 5547.

10. همان، ج 9، ص 141-142.

11. همان، ج 11، ص 5549.

(برگرفته از پژوهشی درباره طنز در شریعت و اخلاق (مرکز پژوهشهای اسلامی صداوسیما) و نمایی از طنز دینی (ولی الله عظیمی) با اندکی دخل و تصرف و تلخیص).

سو تیترها:

هدف طنز، تنبه و توجه دادن فرد یا جامعه به معایب و مفاسد خود، تحقیر و کوبیدن رذایل اخلاقی، رشد فضایل اخلاقی و در یک کلام، تزکیه و تهذیب، اصلاح و به تکامل رساندن فرد و اجتماع است.

قلم طنزنویس کارد جراحی است نه چاقوی آدم کشی، با همه تیزی و برندگیش، جانکاه و کشنده نیست، بلکه آرام بخش و سلامت آور است. زخم نهایی را می شکافد و چرک و عفونتهای آن را بیرون می ریزد و بیمار را بهبود می بخشد.

طنز پرداز با بهره گیری از عبارات ظریف و دلنشین، از خنده تازیانه ای ساخته و آن را بر روح غفلت زده مخاطب فرود آورده و او را به سوی هوشیاری و تلاش برای وصول به وضع آرمانی فرا می خواند.

طنز مثبت یعنی طنزی که با آموزه های دینی هماهنگ و هم سو باشد، و فرد و جامعه را به سوی کمال و سعادت و وحدت هدایت کند.

طنز نوعی انتقاد نوش و نیش دار است و در عین حال که وضعیت خاص اجتماعی، روش خاص زندگی، معاشرت، تربیت، مدیریت و... را نقد می کند، تک تک افراد جامعه را به درون خود متوجه می کند.

یکی دیگر از آثار مثبت طنز، تربیت صحیح و اصولی افراد بر اساس آگاهی و خودباوری در کم ترین زمان ممکن است.

مهم ترین اثر اجتماعی که هر طنز مطلوبی می تواند داشته باشد، افزایش وحدت و کنار گذاشتن اختلافات بی مورد و حساس نشدن به هر موضوع کوچک و بزرگ است.

اگر با نگاهی دقیق و زیباشناختی به طنز بنگریم، می توانیم بگوییم که طنز نوعی استعاره است و در قرآن انواع تمثیلات و تشبیهات و استعاره ها بسیار دیده می شود.